



Identifying the Methods of Proving Motive in Iran's Legal System and Judicial Procedure with an Emphasis on Security Crimes

Reza Zeynali¹, Majid Shayganfard^{*2}, Mohammad Mehdi Saghian³

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, School of Law and Political Science, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Visiting Associate Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran; Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 181-191

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-8161-595X

TELL: +985136630781

Email: dr.majidshayganfard@gmail.com

Article history:

Received: 11 Sep 2024

Revised: 23 Nov 2024

Accepted: 29 Jan 2025

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

Proof, Motivation, Personality File, Security Crime, Spiritual Element.

ABSTRACT

Motive is one of the pillars of the spiritual element, which usually has no effect on the realization of the criminal act, criminal liability and punishment; nevertheless, in the past years, the attention of the criminal legislator has been directed to this element more than before and its influence on the spiritual element has increased. Security crimes are one of the most important crimes in which the role of motivation in their realization or the amount of punishment is undeniable. In a descriptive-analytical way, this research has identified the most important methods of proving motive in Iran's legal system and judicial procedure, with an emphasis on security crimes. The findings of the research show that at the legislative level, mechanisms such as filing a character file and paying attention to the time of the crime are among the most important methods to prove the motive in security crimes. At the judicial level, methods such as delegating authority to special officials and referring the matter to an expert are among the most important methods faced by judges in this field; although each of the above methods, depending on the case, has the possibility of violating the defendant's defense rights and disrupting the proceedings within a reasonable time.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Zeynali, R; Shayganfard, M & Saghian, MM (2025). "Identifying the Methods of Proving Motive in Iran's Legal System and Judicial Procedure with an Emphasis on Security Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(1): 181-191.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

شناسایی روش‌های اثبات انگیزه در نظام قانون‌گذاری و رویه قضایی ایران با تأکید بر جرایم امنیتی

رضا زینلی^۱، مجید شایگان‌فرد^{۲*}، محمدمهدی ساقیان^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار مدعو، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران؛ دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

انگیزه یکی از ارکان عنصر معنوی است که معمولاً تأثیری در تحقق عمل مجرمانه، مسؤولیت کیفری و مجازات ندارد؛ با این وجود در سال‌های گذشته توجه قانون‌گذار کیفری به این رکن، بیشتر از پیش معطوف شده و میزان تأثیر آن در عنصر معنوی، افزون گردیده است. جرایم امنیتی از مهم‌ترین جرایمی هستند که نقش انگیزه در تحقق و یا میزان مجازات آن‌ها، غیرقابل انکار است. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به شناسایی مهم‌ترین روش‌های اثبات انگیزه در نظام قانون‌گذاری و رویه قضایی ایران با تأکید بر جرایم امنیتی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سطح قانون‌گذاری، سازوکارهایی همچون تشکیل پرونده شخصیت و نیز توجه به اماره زمان ارتکاب جرم، از مهم‌ترین روش‌ها به‌منظور اثبات انگیزه در جرایم امنیتی می‌باشند. در سطح قضایی نیز روش‌هایی همچون تفویض اختیار به ضابطین خاص و نیز ارجاع امر به کارشناس، ازجمله مهم‌ترین روش‌های پیش روی قضات در این حوزه هستند، اگرچه که هریک از روش‌های فوق، حسب مورد قابلیت نقض حقوق دفاعی متهم و اخلال در رسیدگی در مهلت معقول را دارا می‌باشند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۱-۱۹۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اراکید: ۵۹۵X-۸۱۶۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۵۱۳۶۶۳۰۷۸۱

ایمیل: dr.majidshayganfard@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

اثبات، انگیزه، پرونده شخصیت، جرم امنیتی، عنصر معنوی.



مقدمه

یکی از مفاهیمی که در حقوق جزا بحث و بررسی می‌گردد، انگیزه است، البته انگیزه در علوم روان‌شناسی و جرم‌شناسی هم مطالعه می‌شود و عبارت است از تمایل و شوق برای ارتکاب جرم در مجرم، به‌نحوی که مجرم برای رسیدن به آن، تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد (قلی‌زاده سلطان‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۶). انگیزه در حقوق کیفری، کارکردی شبیه نیت در اخلاق دارد؛ به رفتار نیرو می‌دهد و هم‌زمان جهت آن را تا وصول به هدف، مدیریت می‌کند (ملک افضلی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱۶). در حقوق جزا، اصل بر این است که انگیزه در تحقق جرم و تعیین نوع و میزان مجازات، هیچ تأثیری ندارد و این به‌جهت دلایلی چون حفظ مصلحت اجتماع و تقدم آن بر منافع فردی است (زاهدی، ۱۳۹۲: ۱۲).

باوجود آن‌چه گفته شد، قانون‌گذاران، گاه انگیزه را در عنصر روانی تأثیر می‌دهند (پوربافرانی، ۱۳۹۷: ۲۰) و رصد تحولات قانون‌گذاری در حقوق کیفری نیز حکایت از آن دارد که هرچه به پیش می‌رویم، توجه قانون‌گذار به انگیزه و تمایل او به ایفای نقش این مؤلفه روانی بیشتر می‌شود. اگر روزی عدم توجه به انگیزه بزهکار یک اصل بود، امروزه با کثرت مستثنیات قانونی، به‌کاربردن لفظ «اصل» در مورد آن دشوار می‌نماید (ملک افضلی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۰۱). توجه به انگیزه بزهکار، گام مهمی برای حرکت به‌سوی یک حقوق کیفری فاعل‌مدار در عین داشتن یک حقوق کیفری فعل‌مدار است. فاعل‌مدار در مجازات و فعل‌مدار در جرم (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۴: ۲۳۳). امروزه یکی از مهم‌ترین جرایمی که نقش و تأثیر انگیزه در تحقق و یا میزان مجازات آن‌ها، غیرقابل انکار است، جرایم امنیتی می‌باشند، اگرچه مقصود اصلی در پاسخگویی به جرایم مزبور، حفظ مصالح سیاسی و تأمین امنیت عمومی است، لیکن این امر بایستی با در نظر داشتن سایر مؤلفه‌ها همراه باشد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، انگیزه مرتکب است.

بر مبنای آن‌چه گفته شد و با در نظر گرفتن تأثیر و نقش غیرقابل انکار و البته روزافزون عنصر انگیزه در تحقق جرایم امنیتی و یا میزان مجازات آن‌ها، ضرورت انجام پژوهشی مستقل در این

خصوص با تمرکز بر نظام حقوقی ایران، بیش از پیش آشکار می‌گردد.

در ارتباط با پیشینه، بایستی گفت پژوهشی که به‌طور مشخص به مقوله اثبات انگیزه در جرایم امنیتی و شناسایی روش‌های اثبات آن پرداخته باشد، انجام نگردیده و از این جهت، مقاله حاضر دارای نوآوری است. با این وجود در ارتباط با عنصر روانی در جرایم امنیتی و برخی مصادیق آن، پژوهش‌های مختلفی انجام شده و آثار گرانقدری به رشته تحریر درآمده است که ذیلاً به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. به‌عنوان نمونه، قلی‌زاده سلطان‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «نقش انگیزه در تحقق جرم و میزان مجازات در حقوق ایران» با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تلاش داشته‌اند تا به بررسی آموزه‌های کیفری مرتبط با انگیزه و تأثیر آن در تحقق عمل مجرمانه، مسئولیت کیفری و مجازات از دیدگاه مکاتب مختلف بپردازد. نویسندگان در انتها با تأکید بر تئوری‌های موجود در دکترین حقوقی، به این نتیجه رهنمون گردیده‌اند که انگیزه، فاقد تأثیر در تحقق عمل مجرمانه است و ارتباط میان قصد نتیجه (سوءنیت خاص) و انگیزه، رابطه علم و خاص مطلق می‌باشد، بدین معنی که چنان‌چه قانون‌گذار، داعی مجرمانه مشخصی را در زمره عناصر جرم قرار داده باشد، داعی مزبور را بایستی سوءنیت خاص قلمداد نمود. قاسمی مقدم و نیک‌کرز (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «رکن نهایی در جرم محاربه و عنصر روانی ناظر بر آن»، «ایجاد ناامنی در محیط» را به‌موجب ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رکن نهایی تحقق محاربه و به‌مثابه «نتیجه مجرمانه» تلقی شده، نموده‌اند. نویسندگان بر این اعتقادند که با تکیه بر مبانی فقهی مرتبط، بایستی گفت که عبارت مزبور شامل ایجاد وضعیت ترس و سلب امنیت در سطح عمومی است و قانون‌گذار کیفری، «قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها» را به‌عنوان رکن معنوی ناظر بر آن، قرار داده است. افزون بر ایرادات ناظر بر نگارش قانون، رویکرد قانون‌گذار در ارتباط با رکن نهایی محاربه با اشکال اساسی مواجه است، چراکه مطابق ادله روایی، قرآنی و نظریات فقهایی همچون شیخ مفید، قدر متیقن، لزوم اخذ مال از جانب محارب است، بنابراین ماده ۲۷۹ بدون در

نظرگرفتن قواعدی همچون احتیاط در دماء و درأ و براساس عدم تفکیک میان اقوال فقهی مختلف، شخصی که مرتکب قتل، سرقت یا تجاوز نشده است را مستوجب اعدام دانسته است.

نوآوری پژوهش پیش روی نسبت به پژوهش‌های مشابه و پیشین انجام‌شده، اولاً تمرکز بر جرایم امنیتی؛ ثانیاً مطالعه اختصاصی عنصر انگیزه (و نه عنصر روانی) است و بر این مبنا، روش‌های اثبات عنصر مزبور در جرایم فوق‌الاشاره در نظام قانون‌گذاری و رویه قضایی فعلی ایران مورد مطالعه و تحلیل واقع خواهند گردید.

برمبنای آنچه گفته شد، سؤال اصلی این پژوهش را نیز می‌توان بدین‌صورت مطرح نمود که: در نظام قانون‌گذاری و رویه قضایی حال حاضر ایران، مهم‌ترین روش‌های اثبات انگیزه در جرایم امنیتی کدامند؟

طبیعی است که پیش از ورود به مباحث اصلی و ماهوی، آشنایی مختصر با پیشینه و مفاهیم پژوهش مفید فایده به نظر می‌رسد.

۱- پیشینه پژوهش

۱-۱- مفاهیم پژوهش

شاید شناسایی مفاهیم کلیدی در یک پژوهش در بدو نظر، واجد اهمیت چندانی نباشد، اما واقعیت این است که بدون درک درست از مفاهیم پژوهش و رهانمودن آن‌ها از ابهام، ورود در مباحث ماهوی با اشکالاتی همراه خواهد بود. تأکید نگارنده بر مفهوم‌شناسی نه صرفاً به‌منظور گردآوردن برخی مفاهیم آشنا و در دسترس، بلکه گذر به یک مفهوم‌شناسی کاربردی است.

۱-۱-۱- انگیزه

انگیزه واژه‌ای است فارسی و در مفهوم لغوی به‌معنای سبب و باعث چیزها و موجب و علت آن‌هاست. این واژه از نظر ساختاری، اسمی است که از مصدر انگيختن و انگيزیدن - به

معنای به حرکت درآوردن - گرفته شده است (نرم‌افزار لغت دهخدا، ذیل واژه انگیزه). در مفهوم اصطلاحی، انگیزه، امری است روانی که آن را علت غایی یا هدف یا مقصد نهایی مورد نظر فاعل جرم می‌دانند (کی‌نیا، ۱۳۹۲: ۸۱/۱)؛ به بیان دیگر، نفع یا امتیازی است که فاعل جرم را ترغیب به ارتکاب جرم می‌کند (شامبیاتی، ۱۳۸۸: ۴۰۹/۱). در حقوق انگیزه را به دو نوع کلی انگیزه شرافتمندانه (نیک) و غیرشرافتمندانه (بد)، تقسیم نموده‌اند. انگیزه شرافتمندانه، انگیزه‌ای است که شرافت انسانی آن را ستایش می‌کند و ارتکاب جرم از روی چنین انگیزه‌ای، نشان می‌دهد که مرتکب جرم، خطرناک نیست؛ در مقابل انگیزه غیرشرافتمندانه، انگیزه‌ای است که از خودخواهی و منفعت‌طلبی مرتکب سرچشمه می‌گیرد و شرافت انسانی آن را مذموم و پست می‌داند (زراعت، ۱۳۸۳: ۲۳).

۱-۱-۲- جرم امنیتی

امنیت از دیرباز به‌عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار بر مدل و راهبردهای سیاست جنایی شناخته شده است. رسالت و هدف سیاست جنایی در هر جامعه‌ای، تضمین امنیت جانی، مالی و حیثیتی شهروندان آن از یک‌سو و تأمین امنیت نهادهای عمومی آن از سوی دیگر است (لازرر، ۱۴۰۱: ۴۳). تعریف مفهوم امنیت باتوجه به گستردگی آن، دشوار است. دانش‌های مختلف همانند جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، هرکدام از دیدگاه خود، به مطالعه و بررسی این مفهوم پرداخته‌اند؛ از منظر جامعه‌شناسی، امنیت نوعی فرآیند اجتماعی بنیادین است که هدف از آن، به‌وجودآوردن اجتماعات (فضاهای) اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نسبتاً امن می‌باشد (عرف، ۱۳۹۸: ۱۷). از منظر علوم سیاسی، امنیت در قالب امنیت فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی مطرح گردیده است، به‌گونه‌ای که امنیت فردی، حالت فراغت یک فرد از تهدید و حمله، امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدید، امنیت ملی^۱، حالت فراغت از تهدید یک ملت و امنیت بین‌المللی^۲، حالت فراغت از تهدید قدرت‌ها

سیاسی؛ ۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور گره خورده است (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۲۹).

۲- ظهور مفهوم امنیت بین‌المللی، متأثر از پدیدایی نظام دولت - ملت و طرح مفهوم امنیت ملی در روابط بین‌المللی، پس از انعقاد معاهده صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ می‌باشد. سابقاً امنیت بین‌المللی اکثراً در ردیف امنیت نظامی معنا می‌یافت؛

۱- ترکیب امنیت ملی برخاسته از «ملت» و «امنیت»، حاکی از نیازمندی یک ملت (جامعه نظام‌مند با ساختار دولتی) به مقوله امنیت و درهم‌تنیدگی این دو مفهوم است (علی‌نژاد ساروکلائی، ۱۳۹۰: ۳۳). تحقق امنیت ملی با چهار مؤلفه اساسی: ۱- حفظ تمامیت ارضی؛ ۲- حفظ جان مردم؛ ۳- حفظ نظام اقتصادی و

(یزیدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۶۰) که ضرر و نتیجه سوء آن، متوجه مصالح مملکت، تمامیت سازمان‌های سیاسی، استقلال و حیات اقتصادی کشور و درنهایت آرامش و آسایش عموم است (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۲۸۷). باوجود رویکرد عینی گفته‌شده در تعریف جرم امنیتی، بایستی اذعان داشت که حکومت‌ها نمی‌توانند به تعریف مطلقاً عینی اکتفا نمایند، چراکه حفظ پایه‌های حاکمیت، توسعه تعریف مزبور را با اتکا به رویکرد ذهنی توجیه می‌نماید. طبق بسط مفهومی مورد اشاره، علاوه بر جرایم مشتمل بر ضرر مستقیم به حکومت، هر عمل مجرمانه‌ای که انگیزه‌اش، صدمه‌رساندن به موجودیت و بقای حکومت باشد، جرمی علیه امنیت خواهد بود، حتی اگر در عمل، حکومت زیان‌دیده مستقیم آن نباشد. به‌عنوان نمونه ارتکاب جعل اسکناس با هدف ضربه‌زدن به حکومت، جرم علیه امنیت است. به بیان ساده، اهمیت نتیجه و فقدان اهمیت انگیزه، در رویکرد عینی است و در رویکرد ذهنی، این انگیزه است که واجد اهمیت می‌باشد، بنابراین و به‌طور خلاصه، جرم علیه امنیت، جرمی است که مستقیماً علیه موجودیت حکومت یا با هدف آسیب به موجودیت نظام حاکم واقع شود (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۶۰). در ارتباط با مصادیق جرم امنیتی در رویکرد عینی، باتوجه به دشواری تشخیص مراد قانون‌گذار از «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی»، قدر متیقن آن، همان موادی است که در فصل اول کتاب پنجم تعزیرات (۱۳۷۵) آمده است^۲، اگرچه که در راستای افزایش دسترسی‌پذیری، پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت قانون (کیفیت قانون)، مطلوب آن

در صحنه بین‌المللی است (آشوری، ۱۳۸۹: ۴۰). در میان حقوق‌دانان نیز تعریف امنیت، مشخص و واضح نیست (کوشکی و علیزاده سرشت، ۱۳۹۴: ۱۰۵). برخی حقوق‌دانان (عالی‌پور و نوروزی، ۱۳۹۶: ۴۲) امنیت در حقوق کیفری را در حوزه امنیت ملی قرار داده‌اند؛ برخی دیگر (احمدوند، ۱۳۸۷: ۳۳) با تمسک به فقه، به این نتیجه رسیده‌اند که امنیت از منظر فقهی^۱ به همان معنای لغوی^۲ آن به‌کار گرفته شده و به تعبیر دیگر، فاقد حقیقت شرعی است. می‌توان مدعی شد که امنیت به‌طور کلی، دارای معنایی سیال و در حال گذار است و به اقتضای موقعیت سیستم حکومت و عدالت کیفری و ارزش‌های مورد توجه آن، متفاوت است (کوشکی و علیزاده سرشت، ۱۳۹۴: ۱۰۷) و همین امر، باعث گردیده که همواره در معرض سوءبرداشت قرار گرفته و به‌عنوان ابزاری جهت سرکوب و تحدید حقوق و آزادی‌های فردی و تحدیش رعایت موازین دادرسی منصفانه به‌کار گرفته شود (توجهی و دهقانی، ۱۳۹۲: ۳۰). درخصوص جرم امنیتی (جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی) از منظر رویکرد عینی، بایستی گفت که گرچه همه جرایم به نوعی امنیت را خدشه‌دار می‌کنند، اما در برخی جرایم، این خصیصه روشن‌تر است. به عبارت دیگر، برخی از جرایم به‌طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی در ارتباط هستند، مانند جاسوسی، محاربه، شورش، سوءقصد به جان مقام‌های سیاسی و ... که مستقیماً حاکمیت ملی و اساس پایه‌های حکومت را هدف می‌گیرند (جزینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹)، بنابراین جرم امنیتی، عمل مجرمانه ارتکاب‌یافته علیه موجودیت حکومت به‌طور مستقیم است

در لغت عرب، واژه «امن»، معنای فقدان ترس و خوف را داشته و مشتقاتی نظیر «ایمان» و «استیمان» از آن هستند (پورفلاحی، ۱۳۹۷: ۱۰).

۳- لازم به یادآوری است که خارج از قانون مجازات اسلامی و در قوانین متفرقه کیفری نیز می‌توان مصادیق عدیده‌ای از جرایم علیه امنیت را یافت که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: فصل دوم (مواد ۱۷ الی ۱۹) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تحت عنوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.

جاسوسی رایانه‌ای و جرایم مرتبط با آن شامل: دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای، تخریب و ... که در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۰۳/۰۵ آمده است.

تخریب وسایل و تجهیزات راه آهن موضوع قانون کیفری بزه‌های مربوط به راه‌آهن مصوب ۱۳۲۰.

اخلال در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیما موضوع قانون مجازات اخلالگران در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی، مصوب ۱۳۴۹.

حاکمیت و استقلال هر کشور، مهم‌ترین عنصر امنیت بین‌المللی تلقی شده و دول هم منشأ اصلی تهدید محسوب می‌شدند و هم مسؤولیت برقراری امنیت را برعهده داشتند، لیکن در حال حاضر، مفهوم امنیت بین‌المللی و تهدیدات آن، انبساط یافته و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز به خود گرفته است (اشرفی، ۱۳۹۳: ۸۶).
۱- درخصوص امنیت از منظر فقهی، برخی نویسندگان (پورفلاحی، ۱۳۹۷: ۱۶) متعرض گردیده‌اند که تعریف فقهی جامع و مانع که امکان پوشش فراگیر تمام مصادیق را داشته باشد، پیشنهاد نگردیده است و از آنجایی که میان افراد جامعه اسلامی - که در روایات به‌سان اعضای یک بدن تشبیه گردیده‌اند - پیوند عمیقی وجود دارد، به‌همین دلیل، تهدید جزئی از امت، امنیت تمام جامعه را به خطر می‌اندازد و در زائل‌شدن امنیت اجتماعی تفاوتی ندارد که تهدید نسبت به تمام امت باشد یا بخشی از آن‌ها.

۲- امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله تعریف شده است (آشوری، ۱۳۸۹: ۳۹). ریشه لاتین این واژه (Secures) بوده و به‌معنای «بدون دغدغه» می‌باشد (عرف، ۱۳۹۸: ۱۷).

کشتی و وسایل نقلیه عمومی یا ادعای بمب‌گذاری در وسایل مزبور به قصد برهم‌زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی را جرم‌انگاری کرده است. از آنجا که تحقق این جرم، به حصول نتیجه خاصی منوط نشده، بنابراین قصد نتیجه، سالبه به انتفای موضوع است و نیازی به احراز ندارد، لذا عبارت «قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی» نه قصد فعل است و نه قصد نتیجه؛ درواقع، این یک قصد خاص است که قانون‌گذار وجود آن نزد مرتکب را شرط تحقق جرم مزبور دانسته و در دکترین حقوق کیفری، همان انگیزه است (ملک افصلی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۰۱). از دیگر جرایم امنیتی مطلق که انگیزه در تحقق آن‌ها شرط است، می‌توان به جرم موضوع ماده ۴۹۸ ق.م.ا اشاره نمود که به موجب آن، تشکیل یا اداره^۳ جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر (در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی) با هدف برهم‌زدن امنیت (در صورتی که مشمول عنوان محاربه نباشد) جرم‌انگاری گردیده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این جرم، مطلق است و به نتیجه‌ای نیاز ندارد، اما انگیزه در آن شرط است و آن، برهم زدن امنیت کشور است (قلی‌زاده سلطان‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲). از دیگر مصادیق تأثیر انگیزه در جرایم امنیتی می‌توان به ماده ۵۱۰ ق.م.ا اشاره نمود که شناسایی، مخفی نمودن یا سبب اخفا شدن جاسوسان مأمور تفتیش یا واردنمودن

است که قانون‌گذار، به‌جای استفاده از عناوین کلی و تفسیرپذیر، مواد موضوع آن را به‌طور صریح مشخص کند (توجهی و محمد کوره‌پز، ۱۳۹۸: ۸۰).

۲- مصادیق تأثیر انگیزه در جرایم امنیتی

در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، قانون‌گذار ایرانی بارها به نقش انگیزه در تحقق جرم اشاره نموده است که پرداختن به تک‌تک آن‌ها، از حوصله و موضوع مقاله پیش روی خارج است؛ با این وجود به‌عنوان نمونه به چند مورد ذیلاً اشاره خواهد شد: اولین نمونه، ماده ۴۹۹ مکرر ق.م.ا (مصوب ۱۳۷۵، الحاقی ۱۳۹۹) است که توهین به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی^۱ با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن را جرم‌انگاری نموده است؛^۲ سیاق جملات ماده، تقویت‌کننده این نظر است که مراد قانون‌گذار از استعمال عبارت «با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن» بیان انگیزه مرتکب است، بنابراین در جرم مزبور، علاوه بر سوءنیت عام (قصد انجام عمل توهین‌آمیز) و سوءنیت خاص (قصد هتک حیثیت و حرمت طرف مقابل)، وجود انگیزه خاص نیز شرط شده است که همان قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا علم به وقوع آن (در پی ارتکاب عمل مجرمانه) است. مثال بعدی، ماده ۵۱۱ ق.م.ا (مصوب ۱۳۷۵) می‌باشد که تهدید به بمب‌گذاری هواپیما،

اگر آسیب حاصل از جرم متوجه حکومت باشد، جرم با هر نوع وضعیت روانی کیفری می‌تواند علیه امنیت محسوب گردد (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۶۲).

۱- عبارت «مصرح در قانون اساسی» نشان‌دهنده آن است که از نظر قانون‌گذار کیفری ایران، توهین به مذاهب و فرقه‌های غیرمصرح در قانون اساسی، ولو با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه باشد، واجد عنوان مجرمانه نیست (پورمحمدی، ۱۴۰۲: ۸۳).

۲- باوجود ممنوعیت توهین به ادیان، مذاهب و قومیت‌ها در آموزه‌های مذهبی، تا سال ۱۳۹۹ این موضوع، انعکاسی در قوانین کیفری کشور نیافته و صراحتاً جرم انگاری نشده بود. وقوع برخی اتفاقات در سال‌های گذشته و خلأ قانونی قابل توجه در این زمینه، موجب گردید تا قانون‌گذار کیفری کشور، ضرورت جرم‌انگاری توهین به ادیان، مذاهب و قومیت‌ها با قصد ایجاد تنش در جامعه را بیش از پیش احساس نماید (پورمحمدی، ۱۴۰۲: ۸۲).

۳- منظور از «تشکیل گروه»، تأسیس و به‌وجودآوردن آن و منظور از «داره گروه»، سازماندهی اعضا و امورات جاری گروه است و بین مسؤولیت تشکیل‌دهنده و اداره کننده دسته یا جمعیت فرقی نیست، بنابراین هم مؤسس مسؤول است و هم مدیر (پیمانی، ۱۳۹۲: ۱۸).

اخلال در صنایع موضوع قانون مجازات اخلالگران در صنایع، مصوب ۱۳۵۳. اخلال در صنایع نفت موضوع قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران، مصوب ۱۳۳۶.

تخریب وسایل و تجهیزات نظامی از سوی نظامیان موضوع مواد ۹۳ و ۹۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲. تخریب اسناد مربوط به امام خمینی موضوع قانون الحاق موادی به قانون نحوه حفظ آثار و یاد حضرت امام خمینی، مصوب ۱۳۶۹.

اقدام برای جداکردن قسمتی از قلمروی حاکمیت ایران موضوع ماده ۲۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲.

مواد ۱ الی ۱۹ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز و مواد مرتبط در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح. ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد مجرمانه و سری، دولتی، مصوب ۱۳۵۳.

ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹. ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و ...، مصوب ۱۳۶۸. مواد ۱۷ به بعد قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲ با موضوع جرایم علیه امنیت و نیز ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز. در قوانین مزبور

هرگونه لطمه به کشور به قصد برهم زدن امنیت ملی و کمک به دشمن را جرم انگاری نموده است و عبارت اخیرالذکر «قصد برهم زدن امنیت ملی و کمک به دشمن» درواقع، بیان انگیزه مرتکب است. قانون گذار کیفری ایران همچنین در مقام تدوین رکن قانونی موضوع ماده ۵۰۵ ق.م.ا (جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده) در کنار لزوم سوءنیت عام و خاص، به ضرورت تحقق «انگیزه تسلیم به دیگری» نیز اشاره کرده است.

۳- روش های اثبات انگیزه در جرایم امنیتی (رویکرد قانون گذار)

انگیزه انسان ها از رفتارهای خویش بسیار متنوع و گاهی خیلی پیچیده است و قانون به واسطه طبیعت عام و انتزاعی اش نمی تواند شرایط فوق العاده پیچیده و خاص هر مورد را پیش بینی کند (Desportes et Le Gunehec, 2009: 441). با این وجود، قانون گذار کیفری ممکن است به منظور تسهیل در فرآیند احراز سوءنیت مجرمانه در فرد مرتکب، سازوکارهایی را پیش بینی نماید. یکی از این سازوکارها، تشکیل پرونده شخصیت است. توضیح مطلب این که برای تعیین مجازات متناسب با جرم و کیفر معقول و منصفانه به جهت اصلاح و درمان مرتکبین عمل مجرمانه، مطالعه شخصیت مجرمین از جهات مختلف روانی، جسمی، محیطی، خانوادگی - که در هر فرد متفاوت است - امری ضروری می باشد (شاملو و کوزلی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). تطبیق مجازات با شخصیت واقعی و حقیقی مجرمین، یکی از هدف های پیشرفته حقوق جزا می باشد که با تشکیل پرونده شخصیت - که از پیشنهاد های مکتب دفاع اجتماعی نوین است^۱ - جامه عمل پوشیده (قمری و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۲) است. از طریق تشکیل پرونده شخصیت می توان نسبت به اثبات یا عدم اثبات انگیزه مرتکب به طور عام و مرتکب جرایم امنیتی به طور خاص مبادرت ورزید، چراکه انگیزه - که جزیی از شخصیت فرد را تشکیل می دهد - در ارتکاب عمل مجرمانه نقش مؤثری دارد (قمری و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۲). پرونده شخصیت جزء شاخه جرم شناسی بالینی است (گلدوست

جویباری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰) و جرم شناسان بالینی از طریق تشکیل پرونده شخصیت، سعی در شناخت علل بزهکاری در شخص (از جمله وجود یا عدم وجود انگیزه مجرمانه) (سبزه علی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱) و همچنین تعیین طرق معالجه بزهکار بر مبنای ویژگی های جسمی، روانی و روحی او و درجه ابتلای او به ناپهنجاری های اجتماعی (فتاحی و سپهری، ۱۴۰۲: ۴۵۹) دارند. قانون گذار کیفری ایران در ماده ۲۰۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در ارتباط با جرایمی که بایستی پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی آن ها تشکیل شود، صراحتاً نامی از جرایم امنیتی نبرده و جرایمی که مجازات آن ها، سلب حیات ... حبس ابد یا تعزیر درجه چهار و بالاتر ... است را در این زمره آورده است، بنابراین بایستی گفت که چنانچه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، مستلزم مجازات های مزبور یا بیشتر از آن ها باشند، در فرآیند تحقیقات مقدماتی آن ها، باید پرونده شخصیت تشکیل گردد. علاوه بر مقرر مزبور، موضوع توجه به پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی در ماده ۱۴ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم (مصوب ۱۳۹۸) آمده است که بیان می دارد: «قضات در مراحل مختلف تحقیق، دادرسی و اجرا به خصوص در موارد زیر با استناد به پرونده شخصیت اتخاذ تصمیم می کنند: ۱- قرارهایی مانند ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، بایگانی کردن پرونده و ارجاع به میانجی گری که تحقیقات، با صدور آن ها متوقف می شود؛ ۲- قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی که مطابق ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری باید با سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، شغل، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.» از دیگر سازوکارهای قانونی به منظور تشخیص وجود یا عدم وجود انگیزه مجرمانه در مرتکبان جرایم امنیتی می توان به پیش بینی ملاک زمان در ارتکاب جرم اشاره نمود، به گونه ای که به موجب ماده ۵۰۹ ق.م.ا تعزیرات: «هرکس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد.» همین گونه است فرار در زمان جنگ از جانب افراد نظامی (موضوع بند «ب» ماده ۷۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب

ناپذیر می باشد، برای حصول به هدف مزبور باید براساس نظام تقنینی، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت بنا بر اقتضای شرایط فرهنگی کشورها پیش بینی گردد تا قضات به استناد قوانین شفاف آیین دادرسی کیفری، دستور تشکیل پرونده شخصیت را با رعایت ضوابطی صادر نمایند (سبزه علی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲).

^۱- دیدگاه مکتب اجتماعی نوین توسط مارک آنسل، اساس پیش بینی پرونده شخصیت است، زیرا اگر ضرورت اصلاح مجرمان به عنوان هدف غایی یا یکی از اهداف اصلی مجازات هاست، از باب وجوب تدارک مقدمات وصول به هدف مزبور، لزوم شناخت شخصیت مجرم از طریق تشکیل پرونده شخصیت امری اجتناب

بنابر آن‌چه گفته شد، معمولاً در پروسه رسیدگی قضایی، رویه یکسان و متحدالشکلی در راستای اثبات انگیزه در جرایم امنیتی به چشم نمی‌خورد. برخی محاکم، ممکن است به‌منظور احراز انگیزه مجرمانه در فرد مرتکب، بخش مهمی از فرآیند تحقیقات مقدماتی را به ضابطین خاص^۱ (عمدتاً نهادهای امنیتی) تفویض نموده و از نتایج تحقیقات آن‌ها در پروسه تصمیم‌گیری قضایی بهره ببرند؛ الزامی که در این مورد، حتماً باید مطلع نظر مقام قضایی (اعم از بازپرس یا قاضی) واقع گردد، پاسداشت حقوق دفاعی متهم^۲، جلوگیری از تحدید و تضییع احتمالی آن توسط ضابطین خاص و نظارت مستمر بر اعمال ضابطین مزبور است، چراکه رعایت الزامات خاص حقوق بشری در طول فرآیند کشف جرم، الزامی بوده و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز با مطرح‌نمودن اصول دادرسی کیفری در مواد ۲ الی ۷ خود، تلاش داشته تا به نوعی، الزامات مزبور را دارای ضمانت اجرا نماید. روش دیگری که ممکن است برخی قضات، تمایل به به‌کارگیری آن داشته باشند، اخذ نظریه کارشناس در این حوزه است، بدین‌معنی که به‌منظور احراز انگیزه مجرمانه در مرتکب جرایم امنیتی، قرار ارجاع امر به متخصصین حوزه روان و روان‌شناسان را صادر نموده و از این طریق، وجود یا عدم وجود انگیزه ضدامنیتی را در شخص مرتکب احراز نمایند. باتوجه به حساسیت خاص جرایم امنیتی و لزوم محرمانه‌بودن برخی اطلاعات پرونده، طبیعی است که در این مورد خاص نیز دایره کارشناسان حوزه مزبور به افراد مورد تأیید نهادهای امنیتی محدود گردیده و امکان ارجاع آن به کارشناسان مختلف، وجود نخواهد داشت. طبیعی است که متعاقب این امر نیز امکان تحدید یا تضییع حقوق دفاعی متهم وجود خواهد داشت، ضمن این که احراز انگیزه مجرمانه توسط متخصصین، امری زمان‌بر

(۱۳۸۲) که مستوجب حبس از دو تا ده‌سال شناخته شده است؛ این درحالی است که جرم فرار از خدمت نیروهای مسلح در زمان صلح به‌موجب ماده ۵۶ همان قانون، مستوجب حبس از دو تا شش‌ماه یا محرومیت از ترفیع از سه تا شش‌ماه در صورتی که شخص فراری، شخصاً خود را معرفی نماید (بند «الف») و حبس از شش‌ماه تا دو‌سال یا محرومیت از ترفیع از شش‌ماه تا دو‌سال در صورت دستگیری (بند «ب») دانسته شده است. از موارد گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که زمان خاص ارتکاب جرم امنیتی، اماره‌ای است که از طریق آن می‌توان انگیزه ضدامنیتی مرتکب را مفروض دانسته و وی را به اشد مجازات یا مجازات شدیدتر دیگر محکوم نمود.

۴- روش‌های اثبات انگیزه در جرایم امنیتی (رویکرد رویه قضایی)

امنیت و جرایم امنیتی با نگاهی به تئوری‌های اندیشمندان و قوانین موضوعه، از مفاهیم سیال و اختلافی است که ریشه‌های اختلافات در این زمینه، در تفاوت دیدگاه‌ها و زاویه دیدهای گوناگون و متنوع صاحب‌نظران نهفته است؛ امری که در عمل، اسباب تشتت آرا در میان محاکم و متصدیان قضایی را فراهم نموده است (کوشکی و عزیزاده سرشت، ۱۳۹۴: ۱۰۴). علاوه‌بر این، شناخت انگیزه‌های یک بزه‌کار برای قضات (دادسرا و دادگاه) غالباً دشوار است، به بیان ساده، برای قاضی عموماً ممکن نیست که مشخص کند رفتار مورد نظر، تحت تأثیر کدام یک از انگیزه‌های مورد اشاره قانون انجام شده است (Desportes et Le Gunehec, 2009: 441). علی‌الخصوص این‌که در جرم امنیتی برخلاف جرم سیاسی، هیأت منصفه‌ای وجود ندارد که یاری‌رسان قاضی در این زمینه باشد.

اخیر، یعنی ضابطان عام در همه حال ضابط دادگستری شناخته می‌شوند (خالقی، ۱۳۹۶، ۶۳/۱-۶۲). ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ در بند «ب»، ضابطان خاص را شامل مقامات و مأمورانی می‌داند که به‌موجب قوانین خاص در حدود وظایف آنان، ضابط دادگستری به‌شمار می‌روند، از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به کارهای مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

^۲ حقوق دفاعی متهم، مجموعه امتیازاتی است که به‌موجب آن برای وی، امکان مؤثر دفاع از خود در فرآیند رسیدگی کیفری تضمین می‌شود (Cornou, 2008: 149). حقوق مزبور جهت محاکمه عادلانه و عدم تعرض به فرض بی‌گناهی پیش‌بینی شده‌اند (فرحبخش، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۷).

^۱ ضابطین خاص دادگستری، مأمورانی هستند که مستقیماً به‌موجب قانون یا تحت نظارت و تعلیمات قانونی مقام قضایی، در حدود وظایف و در مورد جرایم خاصی، یک یا چند وظیفه از وظایف ضابط از قبیل کشف جرم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم و همچنین ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی را انجام داده و مراتب را به مقام قضایی ابلاغ می‌کنند (خزایی، ۱۳۹۶: ۵۷-۵۵). به‌بیان دیگر، ضابطان خاص، ضابطانی هستند که صلاحیت دخالت آن‌ها به جرایمی خاص یا شرایطی معین محدود است و در غیر از آن جرایم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند؛ در عین حال باید توجه کرد که ضابط شناخته‌شدن این افراد در زمینه‌ای خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطان عام را در این حوزه نفی یا محدود نمی‌کند، بلکه اشخاص

و نیازمند توجه فراوان به جوانب مختلف امر است و این موضوع می‌تواند اصل رسیدگی در مهلت معقول^۱ را نیز تحت‌الشعاع خود قرار دهد. علاوه بر این، چون در جرایم امنیتی، زیان‌دیده اصلی، حاکمیت است، بنابراین در راستای اثبات انگیزه فرد متهم، رویه قضایی تمایل خاص و نانوشته‌ای در جهت ارجاع امر به کارشناسان وابسته به نهادهای امنیتی و ضابطین خاص دارد، چراکه این تلقی وجود دارد که نهادها و ضابطین مزبور در پرونده‌های امنیتی، تسلط و آگاهی بیشتری دارند؛ به همین دلیل است که در پرونده‌های گفته‌شده، ضابطین خاص و نهادهای امنیتی، هم نسبت به جرایم ارتكابی خاص، اعلام جرم می‌کنند، هم در قالب کارشناس، به ارائه نظر کارشناسی و مشورتی می‌پردازند و هم به‌عنوان نهادهای حاکمیتی، مکرر پیگیر امر کیفری هستند.

نتیجه‌گیری

نقش انگیزه به‌عنوان یکی از ارکان عنصر معنوی، در سال‌های اخیر بسیار پررنگ شده و توجه قانون‌گذار کیفری را بیش از گذشته به خود معطوف نموده است. مصادیق متعدد تأثیر انگیزه در تحقق یا عدم تحقق جرایم امنیتی در نظام کیفری فعلی ایران، شناسایی روش‌های اثبات این رکن از عنصر معنوی را در سطح قانون‌گذاری و همچنین رویه قضایی، اجتناب‌ناپذیر نموده است که در این پژوهش، به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و داده‌های کتابخانه‌ای به آن‌ها پرداخته شد. در سطح قانون‌گذاری، سازوکارهایی همچون تشکیل پرونده شخصیت و نیز توجه به اماره زمان ارتكاب جرم، از مهم‌ترین روش‌ها به‌منظور اثبات انگیزه در جرایم امنیتی می‌باشند. از طریق تشکیل پرونده شخصیت می‌توان نسبت به اثبات یا

عدم اثبات انگیزه مرتکب جرایم امنیتی مبادرت ورزید، چراکه انگیزه، جزئی از شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد. در ارتباط با اماره زمان ارتكاب جرم، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، اماره‌ای است که از طریق آن می‌توان انگیزه ضدامنیتی مرتکب را مفروض دانسته و وی را به اشد مجازات محکوم نمود. در سطح قضایی نیز روش‌هایی همچون تفویض اختیار به ضابطین خاص و نیز ارجاع امر به کارشناس، از جمله مهم‌ترین روش‌های پیش روی قضات در این حوزه هستند. درخصوص تفویض اختیار به ضابطین خاص، پاسداشت حقوق دفاعی متهم و جلوگیری از تحدید و تضییع احتمالی آن توسط ضابطین خاص و نظارت مستمر بر اعمال ضابطین مزبور، حتماً باید از جانب ضابطین قضایی مطمئن نظر باشد. در ارتباط با ارجاع امر به کارشناس نیز علاوه بر احراز انگیزه مجرمانه توسط متخصصین، امری زمان‌بر و نیازمند توجه فراوان به جوانب مختلف امر است و این موضوع می‌تواند اصل رسیدگی در مهلت معقول را نیز تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

^۱ بازداشت یا زندان (۱۹۸۸) و قسمت «ج» از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) را می‌توان از مهم‌ترین مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی دانست که به مهلت معقول در دادرسی اشاره نموده‌اند. در نظام حقوقی ایران، ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، مراجع قضایی را مکلف نموده است که در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند، همچنان‌که در ماده ۵ از همان قانون، در پرتو رعایت این مهم مقرر نموده است: «**متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهامی انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون، بهره‌مند شود.**» بر همین مبناست که قانون‌گذار، ضابطان قضایی و مأمورین انتظامی را مکلف می‌کند تا موضوع اتهام را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم، ابلاغ و تفهیم کنند (ماده ۴۶).

^۱ - برابر اصل رسیدگی در مهلت معقول، سیستم قضایی بایستی نسبت به حمایت بدون تأخیر از افراد بی‌گناه و مجازات سریع بزه‌کاران اقدام نماید؛ در غیر این صورت، عواملی همچون زوال ادله یا فراموشی و ضعف حافظه شهود، ممکن است حادث شده و روند دادرسی را از مسیر عادلانه منحرف نمایند، ضمن این‌که تسریع در محاکمه، باعث کاهش فرسایش روحی و عاطفی متهم در اثر دادرسی کیفری نیز خواهد گردید (وطنی و نرگسیان، ۱۳۹۷: ۲۶۴). بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حفظ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)، بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بند ۳ ماده ۵ و بند ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، اصل ۳۸ مجموعه اصول برای حمایت همه افراد در هرگونه

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- احمدوند، محسن (۱۳۸۷). *جرایم امنیتی در ققه*. چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد.
- اشرافی، محمود (۱۳۹۶). *تحولات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در زمینه تحقق دادرسی عادلانه*. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، کاشان: دانشگاه کاشان.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۹). *دانشنامه سیاسی*. چاپ هجدهم، تهران: انتشارات مروارید.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۷). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
- پورفلاحی، حمید (۱۳۹۷). *تحلیل امنیت‌گرایی در حقوق کیفری و رابطه آن با تجسس در حریم خصوصی*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل و جاودانه.
- پورمحمدی، محسن (۱۴۰۲). *سیاست جنایی ایران در قبال جریان وهابیت*. چاپ اول، تهران: انتشارات ارشدان.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۹۲). *حقوق کیفری اختصاصی ۳: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.
- توجهی، عبدالعلی و دهقانی، علی (۱۳۹۲). «در جدال امنیت گرایی و موازین دادرسی منصفانه». *دوفصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۳): ۷-۳۴.
- توجهی، عبدالعلی و محمد کوره‌پز، حسین (۱۳۹۸). «گونه‌شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی با تأکید بر مرحله پیش دادرسی: مطالعه تطبیقی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۲۷: ۷۵-۱۰۸.
- جزینی، علیرضا؛ نوایی، مجید و محمدی، سعید (۱۳۹۲). «تعامل نیروی انتظامی با بسیج در پیشگیری از جرایم امنیتی». *فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۳۰: ۷۵-۱۰۲.
- خالقی، علی (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری مطابق با قانون جدید مجازات اسلامی تا اول شهریور ۱۳۹۲*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات شهردانش.
- خزایی، سمیرا (۱۳۹۶). «بررسی نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با ضابطین و اقدامات آنها، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بونه نقد (ضابطان دادگستری)». چاپ اول، مراغه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری انتشارات خرسندی.
- زراعت، عباس (۱۳۸۳). «انگیزه و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری». *دوماهنامه دادرسی*، ۴۶: ۲۰-۲۵.
- سبزه‌علی، راضیه؛ اشرافی، محمود و حیدری، مسعود (۱۳۹۷). «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۰۴: ۶۷-۹۳.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۸). *حقوق جزای عمومی (۱)*. جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات مجد و ژوبین.
- شاملو، محمدباقر و کوزلی، مهدی (۱۳۹۰). «پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه». *فصلنامه آموزه‌های کیفری*، ۲: ۸۹-۱۱۸.
- شمعی، محمد و احمدی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۹). *تقابل و توازن امنیت و آزادی در دولت قانون‌مدار*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- عالی‌پور، حسن و نوروزی، کارگر (۱۳۹۶). *جرایم ضد امنیت ملی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- عرف، جواد (۱۳۹۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی احساس امنیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فتاحی، حیدر و سپهری، روح‌الله (۱۴۰۲). «تأثیرپذیری فرآیند دادرسی کیفری از تشکیل پرونده شخصیت». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۰۲: ۴۵۷-۴۷۶.
- فرحبخش، مجتبی (۱۳۸۵). «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۶ و ۵۷: ۱۱۱-۱۳۶.

- وطنی، امیر و نرگسیان، محمد (۱۳۹۷). «جایگاه اصل رسیدگی در مدت معقول در فرآیند کیفری». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۸۴: ۲۶۳-۲۸۲.

- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۵). «تقابل امنیت فردی و ملی در جرایم علیه امنیت». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱۴: ۵۹-۸۱.

ب. منابع انگلیسی و فرانسوی

- Cornu, G (2008). *Vocabulaire juridique*, 13th ed., Paris: Droit et Science politique.

- Desportes, F et Le Gunehec (2009). *Fransic, Droit pénal general*. Paris: Economica.

- قلی‌زاده سلطان‌آبادی، محمد؛ صفری، محمد؛ محمدزاده مهنه، حمیدرضا و شادمان فخرآبادی، روح‌الله (۱۴۰۰). «نقش انگیزه در تحقق جرم و میزان مجازات در حقوق ایران». فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، ۴(۲): ۴۵-۶۴.

- قمری، مسعود و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷). «جایگاه انگیزه در میان عوامل تشکیل‌دهنده جرم». ارومیه: کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.

- کوشکی، غلامحسین و علیزاده سرشت، نادر (۱۳۹۴). «نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۲: ۹۹-۱۲۴.

- کی‌نیا، مهدی (۱۳۹۲). *مبانی جرم‌شناسی*. جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۵). *حقوق جزای اختصاصی*. چاپ بیست و دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- گلدوست جویباری، رجب و میرکمالی، علیرضا و قبلی، ژاله (۱۳۹۷). «نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی». دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، ۴(۱): ۷۷-۱۰۰.

- لازرژ، کریستین (۱۴۰۱). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دهم، تهران: انتشارات میزان.

- ملک‌افضلی اردکانی، مجتبی (۱۳۹۴). *انگیزه در علوم جنایی، فقه امامیه و حقوق کیفری ایران و فرانسه*. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه امام صادق.

- ملک‌افضلی اردکانی، مجتبی و مهدوی ثابت، محمدعلی و محمودی جانکی، فیروز (۱۴۰۱). «انگیزه بزهکاری میان کنش اخلاق و حقوق کیفری». فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، ۵۰: ۳۱۹-۳۹۹.